جائر - جهل

جائر:

ستمگر، پایمال کننده حق و عدالت.

جائفه:

زخمی که به داخل بدن می رسد.

جابر:

جبران کننده.

جاعل:

آنکه در قرارداد جعاله اعلام می کند هر کس برای او کار مشخصی را انجام دهد، اجرت معینی خواهد داشت.

جانی:

جنایتکار، آنکه مرتکب جنایت شده است.

جاهل:

بی اطلاع، نادان.

جاهل قاصر: کسی که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

جاهل مقصّر: کسی که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می داند ؛ ولی در آموختن تکالیف کوتاهی می کند.

جاهل به حکم: کسی که حکم مسأله را نمی داند.

جاهل به موضوع: کسی که از موضوع حکم بی اطلاع است.

جایز:

عملی که انجام آن حرام نیست.

جبیره:

چیزی است که با آن زخم و شکستگی را می بندند.

پارچه یا دوایی است که روی زخم و مانند آن می گذارند.

جدال:

رجوع کنید به: جدل.

جدل:

قسم خوردن به منظور اثبات یا نفی چیزی در حال احرام. رجوع کنید به: محرمات احرام.

نزاع نمودن در رابطه با اموری دنیوی یا اخروی با هدف پیروز شدن در بحث و یا اظهار برتری نمودن در حال اعتکاف.

جذام:

یک نوع بیماری است که باعث بی حسی بعضی اعضای بدن (دست و صورت) و فساد آنها می شود.

جرح:

نسبت عدم عدالت به کسی دادن یا تضعیف کردن او.

باطل کردن شهادت.

جُرح:

جراحت، زخم.

جزیه:

مالی که از کافر ذمّی در قبال زندگی در قلمرو اسلام اخذ می شود.

جُعاله:

ملتزم شدن به پرداخت نمودن عوضی معلوم در برابر عملی حلال و عاقلانه.

جُعل:

مال معین شده در عقد جعاله.

جفت:

عضو رابط بین جنین و رحم مادر است که جنین بواسطه ی آن تغذیه می کند.

جلّال (جلّاله):

حیوان حلال گوشتی که به خوردن نجاست عادت کرده است.

جماع:

مقاربت، آمیزش جنسی.

جمرات:

سه ستون سنگی معروف در منی است و حجاج باید در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی الحجه به آنها سنگ بزنند (جمع جمره).

جمع بین اختین:

دو خواهر را به همسری داشتن.

جنابت:

جُنُب شدن. رجوع کنید به: جُنُب.

جُنُب:

کسی که جماع کرده یا منی از او خارج شده باشد.

جهاد:

جهاد ابتدایی: نبردی که به قصد هجوم بر دشمن و با فرمان امام (علیه السلام) یا نائب او انجام گیرد.

جهاد دفاعی: نبرد و پیکار برای مقابله با هجوم دشمن به سرزمین های اسلام.

جهاد اکبر: مبارزه با هوای نفس.

جهاد اصغر: پیکار و جنگیدن در راه خدا.

جهر:

قرائت کردن با صدای بلند به گونه ای که جوهر صدا آشکار شود (در مقابل اخفات).

سخن گفتن به طور عمومی (در مقابل سِرّ).

انجام دادن عمل به صورت آشکار (در مقابل خفاء).

نماز جهری:

نمازی که در آن، حمد و سوره باید با صدای بلند خوانده شود به گونه ای که جوهر صدا آشکار شود (نمازهای صبح، مغرب و عشا).

جهل:

ندانستن و بی اطلاع بودن.

جهل مرکب: آن است که شخص نمی داند و متوجه نیست و می پندارد که می داند.